

Reminiszere

Gott erweist seine Liebe zu uns darin, dass Christus für uns gestorben ist, als wir noch Sünder waren.

اما خدا محبت خود را نسبت به ما کاملاً ثابت کرده است. زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح به خاطر ما مرد.

Römer 5,8

Eingangspsaln (Introitus)

Gesangbuch: 025 (Seite 94)

خداوندا، لطف و رحمت بی‌کیران خود را که از ابتدا نشان داده‌ای، به یاد آور.

ای خداوند، به درگاه تو دعا می‌کنم. ای خدای من، به تو توکل دارم. نگذار که شرمنده شوم

خداوندا، راه خود را به من نشان بده و آن را به من بیاموز.

خداوند، نیکو و عادل است، بنابراین گناهکاران را به راه راست هدایت می‌کند.

تمام راههای خداوند، برای کسانی که اوامر او را اطاعت می‌کنند و به پیمان او وفادارند، رحمت و راستی است.

ای خداوند، به خاطر نام خود، گناهان عظیم مرا ببامرز.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Gedenke, HERR, an dei- / ne Barmherzigkeit * und an deine Güte, die von Ewig- / keit her gewesen sind.

Nach dir, / HERR, verlangst mich. * Mein Gott, ich hoffe auf dich; lass mich nicht / zuschanden werden,

HERR, zeige mir / deine Wege * und lehre / mich deine Steige!

Der HERR / ist gerecht und gut; * darum weist er Sün- / dern seine Wege.

Die Wege des HERRN sind lauter Gü- / te und Treue * für alle, die seinen Bund und seine / Gebote halten.

Um deines / Namens willen, HERR, * vergib mir meine / Schuld, die so groß ist!

Ehre sei dem Vater / und dem Sohne * und dem / Heiligen Geiste,

wie es war im Anfang, / jetzt und immerdar * und von Ewigkeit zu / Ewigkeit. Amen.

Lesung aus dem Alten Testament

Jesaja 5,1-7

- 1 به سرودی که می‌سرایم گوش دهید.
این سرودی است دربارهٔ دوستم و تاکستانش:
دوستم در تپه‌ای بسیار حاصلخیز تاکستانی داشت.
2 او زمین را کند و از سنگلاخ‌ها پاک ساخت.
مرغوبترین تاک‌ها را در آن کاشت.
بُرجی برای نگاهبانی آن بنا کرد
و چرخستی برای فشردن انگورهای آن ساخت.
و برای رسیدن فصل برداشت انگورها به انتظار نشست، اما تمام انگورها ترش بودند.
3 آنگاه دوستم می‌گوید: «شما، ای مردمی که در اورشلیم و یهودیه زندگی می‌کنید، بین من و تاکستانم داوری کنید.
4 آیا کاری بود که برایش انجام ندادم؟ پس چرا باید انگور ترش به بار آورد و نه انگور مرغوبی که انتظار داشتم؟
5 «این کاری است که با تاکستانم خواهم کرد: حصار آن را برمی‌دارم، دیوارهای آن را خراب می‌کنم، و می‌گذارم تا حیوانات وحشی آن را بخورند و لگدمال کنند.
6 می‌گذارم علفهای هرز آن را بیوشانند. تاکها را دیگر هرس نمی‌کنم و زمین را وجین نخواهم کرد. می‌گذارم خار و خس همهٔ آن را فرا گیرند. من حتی به ابرها دستور می‌دهم دیگر بارانی بر آن نبارد.»
گناهان مردم
7 اسرائیل، تاکستان خداوند متعال است.
مردم یهودیه تاکهایی هستند که او کاشته است.
او از آنها انتظار نیکی داشت،
اما در عوض، آنها مرتکب قتل شدند.
او از آنها انتظار داشت در راستی و عدالت زندگی کنند، ولی فریاد مظلومان برای داوری بلند است.

Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

Römer 5,1-5[6-11]

- 1 بنابراین چون از راه ایمان در حضور خدا نیک شمرده شده‌ایم، از صلح با خدا که به وسیلهٔ خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید، بهره‌مند هستیم.
2 به وسیلهٔ ایمان به مسیح، ما وارد فیض الهی شده‌ایم، فیضی که در آن پایداریم و نه تنها به امید شراکتی که در جلال خدا داریم شادی می‌کنیم،
3 بلکه در زحمات خود نیز شاد هستیم. زیرا می‌دانیم که زحمت، بردباری را ایجاد می‌کند و بردباری موجب می‌شود که مورد قبول خدا شویم و این امر امید را می‌آفریند.
4 این امید هیچ وقت ما را مایوس نمی‌سازد، زیرا محبت خدا به وسیلهٔ روح‌القدس که به ما عطا شد، قلبهای ما را فرا گرفته است.
5 زیرا در آن هنگام که هنوز ما درمانده بودیم، مسیح در زمانی که خدا معین کرده بود در راه بی‌دینان جان سپرد.
6 به ندرت می‌توان کسی را یافت که حاضر باشد حتی برای یک شخص نیکو از جان خود بگذرد، اگرچه ممکن است گاهی کسی به خاطر یک دوست خیرخواه جرات قبول مرگ را داشته باشد.
7 اما خدا محبت خود را نسبت به ما کاملاً ثابت کرده است. زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح به خاطر ما مرد.
8 ما که با ریختن خون او کاملاً نیک شمرده شدیم چقدر بیشتر به وسیلهٔ خود او از غضب خدا خواهیم رست!
9 وقتی ما با خدا دشمن بودیم، او با مرگ پسر خویش دشمنی ما را به دوستی تبدیل کرد، پس حالا که دوست او هستیم، چقدر بیشتر زندگانی مسیح باعث نجات ما خواهد شد!
11 نه تنها این بلکه ما به وسیلهٔ خداوند ما عیسی مسیح که ما را دوست خدا گردانیده در خدا شادی می‌کنیم.

Evangelium

Markus 12,1-12

- 1 عیسی به سخن خود ادامه داده و در قالب مَثَل به ایشان گفت: «مردی تاکستانی احداث کرد و دیواری دور آن کشید. در داخل آن چرخستی برای گرفتن آب انگور کند و یک بُرج هم برای آن ساخت، بعد آن را به باغبانان اجاره داد و خود به سفر رفت.
2 در موسم انگور، غلامی را پیش باغبانان فرستاد تا سهم خود را از محصول تاکستان بگیرد.
3 اما آنها آن غلام را گرفته کتک زدند و دست خالی بازگردانیدند.
4 صاحب تاکستان، غلام دیگری نزد ایشان فرستاد. او را هم سنگسار کردند و سرش را شکستند و با بی‌احترامی برگردانیدند.
5 باز غلام دیگری فرستاد، او را هم کشتند. بسیاری از کسان دیگر را نیز همین‌طور، بعضی را زدند و بعضی را کشتند.
6 صاحب باغ، فقط یک نفر دیگر داشت که بفرستد و آن هم پسر عزیز خودش بود. سرانجام او را فرستاد و پیش خود گفت: 'انها احترام پسرم را نگاه خواهند داشت.'
7 اما باغبانان به یکدیگر گفتند: 'این وارث است، بیایید او را بکشیم تا ملک او مال خودمان بشود.'
8 پس پسر را گرفتند و او را کشتند و از تاکستان بیرون انداختند.
9 صاحب تاکستان چه خواهد کرد؟ او می‌آید این باغبانان را می‌کشد و تاکستان را به دیگران واگذار می‌کند.
10 مگر در کلام خدا نخوانده‌اید:
'آن سنگی که معماران رد کردند،
به صورت سنگ اصلی بنا درآمده است،
11 این کار خداوند است و به چشم ما عجیب می‌نماید!'
12 رهبران یهود در صدد برآمدن عیسی را دستگیر کنند، چون فهمیدند روی سخن او با آنها بود، اما از مردم می‌ترسیدند. پس او را ترک کردند و رفتند.